■ تقیانی‌پور: نزدیک به ۶۰ درصد بازیگران‌مان اصالت جنوبی دارند و اگر جایی دیالوگی گفته شده که لهجه و گویش در آن بخوبی ادا نشده اتفاقی طبیعی است که صرفا به «نجلا» هم بازنمی‌گردد اما بدانید سهوی بوده و قصد و غرضی در آن نبوده است. حتی برای بازیگران غیرجنوبی هم مربی استخدام کردیم تا لهجه‌ها با کمترین ایراد ممکن ادا شود

پرونده «وطن امروز» درباره سریال‌های تاریخی که این روزها در حال پخش است

عاشقانه‌های جنوب

تقیانی‌پور، کارگردان «نجلا» در گفت‌وگو با «وطن امروز» از شرایط تولید این سریال تاریخی در دوران کرونا گفت

گروه فرهنگ‌وهنر: این روزها ۳ سریال تاریخی از شبکه‌های مختلف تلویزیون روی آنتن رفته که هر کدام مخاطبان مختلفی را برای خود فراهم کرده‌اند اما می‌توان گفت سریال «نجلا» به عنوان پرمخاطب‌ترین این سریال‌ها از شبکه سوم سیما پخش می‌شود.

«نجلا» به کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور و تهیه‌کنندگی سعید سعدی، سریالی است با داستانی عاشقانه و پرکشش پیرامون پیاده‌روی اربعین سال ۵۸ که این روزها از شبکه سوم سیما در حال پخش است.

سریال نجلا روایت عشق «عبد» به «نجلا» حول محور پیاده‌روی اربعین سال ۵۸ است. عبد که تعمیرکار موتوسیکلت است و برای تامین هزینه‌های زندگی از عراق کالای قاچاق وارد کشور می‌کرد، عاشق نجلا دختر شیخ‌ابراهیم می‌شود. نجلا پرستار بیمارستان است و عبد هر روز برای دیدن او به بیمارستان می‌رود. عبد به خاطر عشق به نجلا کار قاچاق را کنار می‌گذارد و تصمیم می‌گیرد به خواستگاری نجلا برود. نجلا به شرطی قبول می‌کند به خواستگاری عبد جواب مثبت دهد که او را در ایام اربعین به زیارت امام حسین(ع) ببرد اما در طول مسیر حوادث و اتفاقات خاصی می‌افتد. حسام منظور که پیش از این نیز در سریال‌های «بانوی عمارت» و «برادر جان» نقش‌آفرینی کرده بود، نقش اصلی این سریال را با نام «عبد» بازی کرده و سارا رسول‌زاده نیز در نقش «نجلا» به ایفای نقش پرداخته است. ملیکا شریفی‌نیا، ثریا قاسمی، مصطفی ساسانی، سوگل طهماسبی، جواد پورزند، علی غابشی، مرتضی شاه‌کرم، وحید نفر، بدرالسادات برنجانی، محسن پوشانی، محسن سلیمانی، سجاد دیرمینا و ابراهیم گله‌دارزاده از بازیگران اصلی سریال نجلا هستند.

تحرکات ارتش عراق در مرزها و مناطق جنوبی ایران، تحرکات نفوذی‌های حزب بعث در میان مردم و اقدامات تروریستی آنها از جمله انفجارها و ترورهایی که با هدف ناامن‌سازی شهرهای مرزی آبادان و خرمشهر در ماه‌های قبل از آغاز رسمی جنگ اتفاق می‌افتاد، بخشی از اولین‌هایی است که در نجلا به آنها پرداخته شده است. اما یکی از نکات بحث‌برانگیز درباره سریال «نجلا» مربوط به لهجه و گویش عراقی و آبادانی برای عوامل «نجلا» است. بازیگران تا حد قابل قبولی توانسته‌اند از پس ادای گویش‌ها بربیایند؛ هرچند که در بعضی قسمت‌ها ضعف در ادای لهجه و گویش دیده می‌شود که این موضوع در سریال‌های تلویزیونی امری طبیعی است. آنطور که رجانیوز گزارش داده، یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد این است که شخصیت «نجلا»، یک شخصیت عراقی و بزرگ‌شده عراق است ولی به اشتباه بعضی منتقدان تصور کردند او آبادانی است و لهجه نجلا را بخشی از ایرادات سریال عنوان کرده‌اند. همچنین دیالوگ‌های همزمان عربی و فارسی بازیگران تدبیر خوبی به نظر می‌رسد که هم مخاطبان براحتی در جریان قصه سریال قرار بگیرند و هم فضا را درک کنند. از سوی دیگر یکی از نکات برجسته این سریال بحث پیاده‌روی تاریخی اربعین است. تاکنون در هیچ یک از سریال‌های تلویزیونی به موضوع پیاده‌روی اربعین پرداخته نشده بود اما در این سریال محور داستان زیارت امام حسین(ع) در ایام اربعین سال ۵۸ قرار گرفته است. از طرفی دیگر خانواده نجلا در داستان بخشی از معاودین محسوب می‌شوند که توسط صدام مورد ظلم واقع شده و از عراق اخراج شده‌اند؛ مساله اخراج ایرانی- عراقی‌ها از عراق توسط صدام بخشی از واقعیت‌های مغفول‌مانده است که برای نخستین‌بار در این سریال به تصویر کشیده شده است. عشق عبد به عنوان یک پسر ایرانی به نجلا به عنوان یک دختر عراقی نشان‌دهنده رابطه حسنه ۲ ملت ایران و عراق و فرهنگ‌های مشترک و روابط نزدیک آنهاست، بویژه که در سال‌های گذشته تلاش‌های بسیاری از سوی ضدانقلاب برای ایجاد اختلاف میان این ۲ ملت صورت گرفته است.

با توجه به اینکه خیرالله تقیانی‌پور برای نخستین‌بار است یک سریال تلویزیونی را کارگردانی کرده ولی با این حال به نظر می‌رسد سریال نجلا از لحاظ فنی، در سطح بالاتری نسبت به دیگر سریال‌های تولیدی صداوسیماست. با همه این اوصاف سریال نجلا روی یک سوژه ناب دست گذاشته است و همچنین بردن دوربین به شهرهای آبادان و اهواز مورد توجه خیلی‌ها قرار گرفته، آن هم در شرایطی که کشور چندین ماه است درگیر ویروس کروناست و عوامل تولید سریال «نجلا» به‌رغم همه سختی‌های موجود، بخشی از تصویربرداری را در استان خوزستان جلوی دوربین بردند تا از کیفیت کار کاسته نشود. خیرالله تقیانی‌پور، کارگردان سریال «نجلا» که نخستین تجربه کارگردانی خود را در تلویزیون پشت سر گذاشته، از کارنامه پرباری در تئاتر برخوردار است. او تاکنون کارگردانی نمایش‌های بسیاری از جمله «صورت و سیرت»، «فریاد خاموش خاطره»، «شب عروسی»، «آخرین پست شب یلدا»، «فردا روز دیگریست»، «۵+۱»، «روزی، محله‌ای، روزگاری»، «مخمصه»، «روزی، گذری، روزگاری»، «قصه یک تابلوی زرد»، «عصاره اجدادی»، «سایت بوی»، «پری»، «سایه سکوت»، «خاک»، «خبرنگار»، «یک روایت تازه از اونور قاب خواب‌نماها» و «هفت کوپه از یک قطار» را بر عهده داشته که نویسندگی بخش عمده‌ای از این آثار را هم عهده‌دار بوده است. این هنرمند همچنین در نمایش‌های «صبور»، «خانم سرگرد باربارا»، «حورا»، «روی ریل جنگ»، «سایت بوی» و «پری» به عنوان بازیگر به ایفای نقش پرداخته است. البته تقیانی‌پور سال ۹۳ فیلم سینمایی دفاع‌مقدسی «تونل» را به تولید رساند، هرچند این فیلم سینمایی آنچنان که باید به دیده شدن او در سینما کمک نکرد اما توانست تجربه و پشتوانه خوبی برای این کارگردان جوان محسوب شود که با اعتماد به نفس بیشتری سراغ سریال «نجلا» به عنوان نخستین تجربه کارگردانی خود در تلویزیون برود. در مجموع تولید سریال «نجلا» با توجه به شرایط کرونایی کشور موجب شد نخستین تجربه این هنرمند در تلویزیون با سختی‌ها و مشقت‌های فراوانی مواجه شود که تقیانی‌پور در گفت‌وگو با «وطن امروز» از این شرایط برای‌مان گفت.

***

■ جناب تقیانی‌پور! شما به عنوان چهره سرشناس و فعال تئاتری و چند تجربه سینمایی، برای نخستین‌بار تجربه حضور در مسند کارگردانی سریال تلویزیونی را تجربه کردید؛ قبول کارگردانی سریال «نجلا» برای شما ریسک بزرگی محسوب نمی‌شد؟

در وهله اول سعی کردم برای نخستین تجربه‌ام در کارگردانی سریال تلویزیونی به یک انتخاب هوشمندانه و دقیق دست پیدا کنم؛ انتخابی که جسارت و شجاعت را در کارگردان تقویت کند، زیرا هیچ‌گاه در ذهنم نبوده که به سمت و سوی کارگردانی سریال‌های روتین آپارتمانی بروم و دوست داشتم از همان تجربه نخست یک فضای سخت و هیجان‌انگیز را تجربه کنم که سریال «نجلا» به لحاظ ساختار تاریخی خود از این ویژگی برخوردار است.

از سوی دیگر به جرأت می‌توانم بگویم از آنجا که از محیط و فضایی کاملا تئاتری وارد این کار شدم، خیلی در جریان کار کارگردانی به من کمک کرد، زیرا تجربه کارگردانی تئاتر باعث شد در «نجلا» به میزانسن‌های درستی دست پیدا کنم.

کارگردان سریال «نجلا»: درباره برخی هجمه‌ها باید بگویم خوشبختانه بسیاری از مردم جنوب کشور با این سریال ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند و دلیل اینکه عده‌ای از همان قسمت اول علیه سریال هجمه کردند را واقعا نمی‌دانم

■ از آنجا که سریال «نجلا» در شرایط کرونایی به تولید رسیده است، از سختی‌ها و مشقات کار تولید در این شرایط برای‌مان بگویید.

واقعا شرایط سخت و نفسگیری را سپری کردیم و تمام عوامل با تحمل گرمای شدید در همه حالت ماسک بر صورت داشتند و صرفا بازیگرانی که جلوی دوربین می‌رفتند برای دقایقی ماسک را از صورت خود برمی‌داشتند. از سوی دیگر پیچیدگی بیماری کرونا نشان داد ناقلان دارای علائم خاص و مشترکی نیستند و شاید فردی ناقل باشد و تب هم نداشته باشد، به همین خاطر عوامل «نجلا» بیشتر مواقع به رغم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و طب‌سنجی استرس زیادی داشتند اما مهم اینجاست که خدا را شکر در طول تهیه و تولید سریال «نجلا» هیچ کدام از عوامل مبتلا به کرونا نشدند که البته بخش عمده‌ای از این مساله به عنایت حضرت امام حسین(ع) به مجموعه بازمی‌گردد.

■ با این شرایط سخت کرونایی چه شد که توانستید تصویربرداری را در شهرهای خرمشهر و آبادان انجام دهید؟

از ابتدا قرار شد بیشتر مراحل تولید و تصویربرداری در شهرهای جنوبی کشور باشد اما از آنجا که آن زمان این مناطق به لحاظ شرایط کرونایی در وضعیت قرمز بودند، عملا امکان سفر به این مناطق نبود و از سوی دیگر نمی‌خواستیم زمان را از دست بدهیم و دوست داشتیم تحت هر شرایطی کار را به محرم و صفر امسال برسانیم.

خوشبختانه در ادامه با بهبود شرایط مناطق جنوبی کشور به لحاظ ویروس کرونا بخشی از کار را توانستیم در مناطق جنوبی جلوی دوربین ببریم. در واقع ما دوربین‌مان را به آبادان بردیم تا به نوعی به مردم خطه جنوب ادای احترام کنیم.

■ از آنجا که روابط عشقی میان شخصیت‌های سریال «نجلا» بسیار درست از آب درآمده است، آیا می‌توان این سریال را در وهله نخست اثری عاشقانه دانست؟

اینکه سریال «نجلا» مضمونی عاشقانه دارد که کاملا مشخص است اما در وهله بعد این سریال حس میهن‌پرستی را در ذهن‌ها زنده می‌کند. هدف چیز دیگری است اما هدف ناخواسته تغییر می‌کند و همه به سمت عشق امام حسین(ع) می‌رود و با نگاه حضرت گره می‌خورد.

■ برخی نسبت به نوع لهجه و گویش آبادانی بازیگران انتقاداتی داشتند، در این باره توضیح می‌دهید؟

در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که نزدیک به ۶۰ درصد بازیگران‌مان اصالت جنوبی دارند و اگر جایی دیالوگی گفته شده که لهجه و گویش در آن بخوبی ادا نشده، اتفاقی طبیعی است که صرفا به «نجلا» هم بازنمی‌گردد اما بدانید سهوی بوده و قصد و غرضی در آن نبوده است. حتی برای بازیگران غیرجنوبی هم مربی استخدام کردیم تا لهجه‌ها با کمترین ایراد ممکن ادا شود.

درباره برخی هجمه‌ها هم باید بگویم خوشبختانه بسیاری از مردم جنوب کشور با این سریال ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند و دلیل اینکه عده‌ای از همان قسمت اول علیه سریال هجمه کردند را واقعا نمی‌دانم.

■ و سخن پایانی؟

هیچ اثر هنری بدون نقص نمی‌شود، حتی شاهکارهای سینمای جهان هم نقایصی دارند اما درباره لهجه باید بگویم بسیاری از مردم آبادان بر لهجه و گویش عوامل «نجلا» صحه گذاشتند و در نهایت امیدوارم توانسته باشیم با این سریال لبخند رضایت را بر لب مردم جنوب بنشانیم.

«بوم و بانو»؛ متوسط و قربانی پخش

سریال «بوم و بانو» جدیدترین ساخته سعید سلطانی به عنوان سریال ویژه ماه محرم روی آنتن شبکه ۲ سیما رفته است. این مجموعه از آن دسته سریال‌هایی است که همزمان با پخش از شبکه ۲، مراحل تصویربرداری را پشت سر می‌گذارد. تصویربرداری سریال «بوم و بانو» در شهرک سینمایی غزالی نیمه دوم سال ۹۸ آغاز شد. سعید سلطانی که سریال‌های پرمخاطبی چون «پس از باران» و سه‌گانه «ستایش» را در کارنامه کاری خود دارد، امیدوار است با پشتوانه و تجربه بالای خود، موفقیت‌هایش را در سریال تاریخی و عاشقانه «بوم و بانو» تکرار کند که باید گفت تا اینجای کار این مجموعه آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. این موضوع خیلی به کیفیت سریال به لحاظ فرم و محتوا بازنمی‌گردد و آن را باید از ۲ جنبه دیگر مورد بررسی قرار داد؛ جنبه نخست به پخش این سریال تاریخی از شبکه ۲ سیما بازمی‌گردد؛ شبکه ۲ سیما چند سال است در آمار ارائه شده از نظرسنجی‌ها جزو کم‌مخاطب‌ترین شبکه‌های سراسری محسوب می‌شود و اگر از این شبکه قدیمی، برنامه‌هایی چون «محله گل و بلبل» و «کلاه قرمزی» را بگیریم، به واقع باید گفت این شبکه جز این ۲ برنامه و چند سریال طی سال‌های اخیر حرفی برای گفتن در جذب مخاطب نداشته است که به طور حتم تجزیه و تحلیل این موضوع یک آسیب‌شناسی مفصل را می‌طلبد که پرداختن به آن در این مقال نمی‌گنجد. به هر حال بنا به دلایلی که گفته شد، معمولا شبکه ۲ سیما به طور معمول جزو چند انتخاب اول مخاطبان نیست، مگر آنکه برنامه‌ای خاص یا سریالی مشخص را عده محدودی از مخاطبان دنبال کنند. باید گفت تولید و پخش سریالی پرهزینه و تاریخی در شبکه‌ای کم‌رمق یک ریسک بزرگ برای سازندگان سریال محسوب می‌شود که آنطور که تا به امروز از شواهد امر بر می‌آید، ریسک سازندگان سریال جواب نداده است. شاید سازندگان سریال «بوم و بانو» امیدوار بودند این مجموعه همانند سریال «پدر» موجب بالا آمدن شبکه دوم سیما در نظرسنجی‌ها شود. اما جنبه دومی که درباره پخش سریال «بوم و بانو» از شبکه دوم سیما باید به آن توجه داشت، کنداکتور این شبکه است؛ سریال «بوم و بانو» طبق روال اشتباه و قدیمی شبکه در حدفاصل ۲ بخش خبری مهم سیما پخش می‌شود و تلاقی این ساعت از شبکه با برنامه‌های پرمخاطب سایر شبکه‌ها، کار را برای دیده شدن «بوم و بانو» سخت‌تر می‌کند. می‌طلبد مدیران شبکه ۲ سیما در این باره تابوشکنی کنند و با یک برنامه‌ریزی مدون در ساختار کنداکتور خود از شیب سقوط شبکه ۲ بکاهند. در مجموع باید گفت سریال «بوم و بانو» به کارگردانی یکی از موفق‌ترین کارگردانان تلویزیون در جذب مخاطب و با هزینه‌های گزاف، یک سریال خوش‌ساخت تاریخی محسوب می‌شود که متاسفانه این مجموعه تاریخی قربانی بدسلیقگی مدیران برای پخش در یکی از کم‌مخاطب‌ترین شبکه‌های سراسری شده است. مسلما اگر این سریال با همین کیفیت در کنداکتور پخش سریال شبکه‌های یک و ۳ روی آنتن می‌رفت، شاهد اتفاقات بهتری برای این سریال بودیم.

اما درباره سریال «بوم و بانو» باید گفت سعید سلطانی که علاوه بر «ستایش»، تجربه ساخت سریال‌های تاریخی چون «پس از باران» و «خانه‌ای در تاریکی» را در کارنامه هنری‌اش دارد، باز هم سراغ بخشی از تاریخ ایران رفته و روایتگر قصه‌ای تاریخی در «بوم و بانو» شده است. سریال تاریخی «بوم و بانو» مقطع دوره پهلوی را به نمایش می‌گذارد و کاری در حوزه تاریخ معاصر به شمار می‌آید. این مجموعه به نویسندگی شعله شریعتی و اعظم بهروز روایتگر داستانی عاشقانه و تاریخی است که آن را می‌توان تلاقی عشق و سیاست و دین دانست، آن هم در جامعه‌ای که قصد دارد از سنت به مدرنیسم طی طریق کرده و در این مسیر کشور با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه می‌شود. قصه‌های سریال «بوم و بانو» غیرواقعی است و لوکیشن‌های این سریال، فقط منحصر به شهرک سینمایی غزالی نیست و بیش از ۱۵۰ لوکیشن داشته است. این مجموعه که روایتگر بخشی از تاریخ معاصر ایران است، در لوکیشن‌هایی فیلمبرداری شده که یادآور لوکیشن‌های برخی سریال‌های سال‌های اخیر رسانه ملی است. سریال «بوم و بانو» با داستانی ملتهب درباره کشف حجاب و ممنوعیت عزاداری حضرت اباعبدالله(ع) ساخته شده است. در این سریال مهدی احمدی، مسعود رایگان، بهنام تشکر، فریبا متخصص و ساغر قناعت نقش‌آفرینی می‌کنند. مسعود رایگان از هنرپیشه‌های باسابقه سینما و تلویزیون، در نقش تیمسار افشار، از نظامی‌های زمان پهلوی حضور دارد. بهنام تشکر نیز از دیگر هنرپیشه‌های سریال بوم و بانو است که در نقش سرهنگ سپنتا حضور دارد. ساغر قناعت نیز نقش اول سریال «بوم و بانو» است که او را با فیلم سینمایی مالاریا ساخته پرویز شهبازی و جشن دلتنگی به کارگردانی پوریا آذربایجانی دیده بودیم. ساغر قناعت در سریال «بوم و بانو» در نخستین حضور تلویزیونی خود تا به این قسمت که روی آنتن رفته است، بخوبی توانسته از پس نقش خود برآید. در خلاصه داستان سریال آمده است: در ایامی که عشق رهروان محرم به مسلخ برده می‌شود و شورشان به یغما می‌رود، عشقی بی‌آلایش سر بر می‌آورد که در دل توفان بلایای زمانه به ابتلا کشیده می‌شود و در سایه تزویر و فریب بدخواهان تا مرز نابودی می‌رود اما در واپسین لحظات، چون سیمرغی از میان خاکستر برمی‌خیزد.

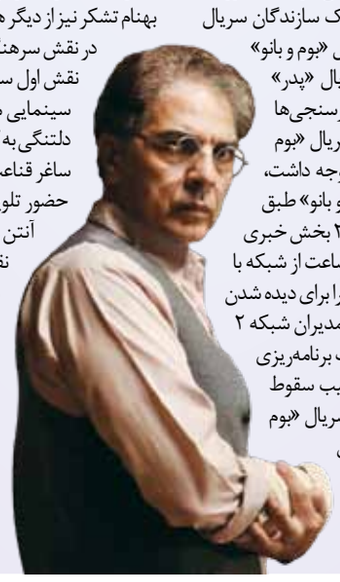

«ایلدا»؛ سوژه بی‌پیرنگ

حتما لازم است تلویزیون وارد حوزه‌های تاریخی شود و در رابطه با تاریخ بحث کند. حتما لازم است در رابطه با اقوام و گروه‌های مختلف کارهایی شود و برای این موضوع می‌تواند از ظرفیت سریال و فیلم‌های داستانی استفاده کند. طبعا هر اقدامی در این حوزه قابل تقدیر است، چرا که شکاف نسلی و فاصله گرفتن از اتفاقات مهم تاریخی، طبعا به فراموشی منجر می‌شود. تلویزیون از طریق سریال‌سازی می‌تواند حافظه تاریخی مردم را بهبود بخشد. چه بسا بسیاری از اتفاقات است که در صورت یادآوری نشدن ممکن است مورد سوءاستفاده و تحریف نیز قرار بگیرد. به همین جهت وقتی کاری مانند «ایلدا» ساخته می‌شود، طبعا به همین دلایلی که گفته شد، باید از آن استقبال کرد اما گاهی ظرفیت‌های موجود در دل قصه‌های اقوام و همچنین پتانسیل‌های موجود در قصه‌های تاریخی آنچنان که باید مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. یکی از مشکلات «ایلدا» نداشتن یک پیرنگ اصلی و سرراست است. قصه‌های پراکنده در یک توالی تاریخی اتفاق می‌افتد. در واقع پیرنگ اصلی از قوت لازم برای جا دادن قصه‌های فرعی در دل خود برخوردار نیست. مساله دیگری که متوجه «ایلدا» است، نداشتن کشش لازم در قصه‌های فرعی است. در کارهایی که برای اقوام ساخته می‌شود، لازم است برجستگی‌های قومی و طایفه‌ای و ظرفیت منطقه‌ای به نوعی یادآوری شود. ایلدا اگر نگوییم کاملا فارغ از این ظرفیت‌هاست، می‌توان گفت تقریبا به این ظرفیت‌ها بی‌توجه بوده است.

این سریال تلاش دارد نقش عشایر را در دفاع از مرزهای کشور در روزهای آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران به تصویر بکشد. واقعا این سوژه می‌توانست جذاب‌تر از این ساخته شود و «ایلدا» را که امروز اثری متوسط و معمولی است به یک کار تاریخی ماندگار تبدیل کند اما این اتفاق نیفتاده است. در این بین البته برخی منتقدان نیز با بی‌انصافی با این اثر مواجهه می‌کنند و با نقدهای‌شان به سریال‌ها عملا ساخت هرگونه اثری پیرامون اقوام را منتفی می‌کنند. اینکه لهجه‌ها و گویش‌ها باید دقیقا همانی باشد که در واقعیت وجود دارد، خواسته ایده‌آلی است. امروز این ادعا درباره سریال‌های دیگری مانند «نجلا» نیز مطرح می‌شود؛ سریالی که با یک خط داستانی درست، آبادان سال ۵۸ را به تصویر کشیده و توان برقراری ارتباط با عموم مردم را دارد اما توسط برخی به خاطر رعایت نشدن لهجه آبادانی زیر تیغ نقد می‌رود. در این بین برخورد برخی چهره‌های سیاسی و مسؤولان هم سوال‌برانگیز است؛ افرادی که به جای تلطیف فضا و ایجاد امکان گفت‌وگوی بیشتر، به تحریک اقوام برای واکنش نسبت به سریال‌ها مشغولند که به نظر نمی‌رسد کار صحیحی باشد. در اثر همین فضا یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تاریخ تلویزیون یعنی سریال «سرزمین کهن» با محدودیت مواجه شده و به رغم همه هزینه‌هایی که برای آن شده در آرشیو خاک می‌خورد. به نظر می‌رسد در فضای کلان مدیریتی باید گفت‌وگو و تفاهم درباره آثار تاریخی و ملی شکل بگیرد تا نقدهای هیجانی که گاهی مورد سوءاستفاده دشمنان نیز قرار می‌گیرد، به دل جامعه راه نیابد.